

بررسی تعارضات اخلاقی اسارت و راه‌های برون‌رفت از آن با رویکرد اسلامی

mahdiebadinia@gmail.com

مهدی عبادی نیا / کارشناس ارشد اخلاق کاربردی مؤسسه اخلاق و تربیت

hoseindiba@gmail.com

حسین دیبا / استادیار روان‌شناسی اخلاق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴

چکیده

یکی از مسائل مهم جوامع بین‌الملل در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، گرفتن اسیر و نوع برخورد با اسرا است که در این میان قراردادهایی مانند قرار داد ژنو تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ برای حقوق اسرا نوشته شده است که کشورهای امضاءکننده ملزم به انجام آن هستند. دین مبین اسلام نیز در این میان، قوانین و مقررات مهمی برای اسرا دارد. عمل نکردن به این قوانین، حکم جنایات بین‌المللی دارد. اما مسئله مهمی که بعضاً برای یک رزمنده درباره بحث اسارت پیش می‌آید، تعارضاتی است که در برخورد با یک اسیر برای یک رزمنده در حین جنگ ایجاد می‌شود که باید یک طرف تعارض را انتخاب کند و هر طرف را که انتخاب کند، از لحاظ اخلاقی دچار مشکل می‌شود. لذا وظیفه او در این موارد چیست؟ این بحثی است که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت و دستورات اسلام را در این تعارضات مورد بررسی قرار خواهیم داد. این مقاله، به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: اسارت، اخلاق، اخلاق کاربردی، تعارض، تعارضات.

حقوق بشردوستانه، یکی از مباحث مهم حقوق بین‌المللی است که یکی از جنبه‌های مهم و بارز حقوق بشر در مختصات مسلحانه بین‌المللی که عملاً نسبت به سایر مقررات مربوط از قدرت اجرایی بیشتری برخوردار است، قواعد حاکم بر رفتار با اسیران جنگی است. با توجه به جایگاه مهم این قواعد، امروزه به‌عنوان قواعد عام‌الشمول به‌شمار می‌روند که نقض آنها، جنایت بین‌المللی محسوب می‌شود. نحوه رفتار با اسرای جنگی یکی از مسائل مهم و پیچیده‌ای است که حقوق جنگ به طور متعارف با آن سروکار داشته است و جزء لاینفک آن محسوب می‌شود. امروزه عهدنامه‌های بین‌الملل به‌ویژه قرارداد ژنو مورخه ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹، نقش اساسی درباره حقوق حاکم بر رفتار اسرا دارد. در اسلام نیز اسیر جنگی دارای حقوق و احکامی است که مسلمانان به هر شکل موظف به رعایت آن هستند. اینکه از چه گروه‌هایی می‌توان اسیر گرفت، حکم و جایگاه اسرا در جنگ چیست؟ چگونه باید با آنان برخورد کرد؟ در چه مواردی حق گرفتن اسیر را داریم و بعکس. اینها سؤالاتی است که معمولاً در یک جنگ در برخورد با اسرا پیش می‌آید. با توجه به مشخص شدن نوع رفتار با اسرا، مسئله و مشکلی که در این میان ایجاد می‌شود، تعارضاتی است که در مورد برخورد با اسیر پیش می‌آید. تعارض از این جهت که باید به یکی از دو طرف، تکلیف عمل کند که هر طرف را بگیرد، طرف دیگر خلاف قوانین و اخلاق خواهد بود. کدام طرف را باید شخص در جنگ نسبت به اسیر انجام دهد. به‌عنوان مثال، اسیر گرفتن قبل از پیروزی، اسیر گرفتن در شب، یا اسیر گرفتن افراد غیرنظامی و کشتن اسیر و... می‌تواند از مواردی باشد که موجب تعارض می‌شود. دستورات دین اسلام در این میان، از جایگاه ممتازی برخوردار است که معمولاً موجب انتخاب یکی از دو طرف تعارض می‌شود. به‌گونه‌ای که هم از لحاظ شرعی و هم از لحاظ اخلاقی قابل قبول است. در این مقاله، پس از بررسی انواع تعارضات اخلاقی به تعارضات اخلاقی اسارت و راه‌های برون رفت از آن می‌پردازیم.

اخلاق

واژه «اخلاق»، در اصل عربی و جمع «خُلُق» و «خُلُق» است و در لغت، به معانی گوناگون آمده است. گاهی اخلاق به‌معنای خلق و خوی، رفتار عادت شده و مزاج به کار می‌رود (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۷۳). عموم لغت‌شناسان، «خُلُق» را با واژه «خُلُق» هم‌ریشه دانسته‌اند (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۳۷). اما بین «خُلُق» (به ضم اول) و «خُلُق» (به فتح اول)، در معنا تفاوت وجود دارد: *راغب‌اصفهانی* در کتاب *المفردات* گفته است: «خُلُق» (به ضم اول) به قوا و سجایایی که با بصیرت (چشم دل) درک می‌شوند، اختصاص دارد ولی «خُلُق» (به فتح اول) به هیئت، اشکال و صورت‌هایی که با چشم ظاهر، قابل رؤیت و درک هستند، اختصاص دارد (راغب‌اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۹۷). *غزالی* در *احیاء‌العلوم*، درباره تفاوت «خُلُق» و «خُلُق» نوشته است که «خُلُق» (به فتح اول) قابل تعبیر نیست، ولی «خُلُق» (به ضم اول)، قابل تعبیر است و انبیا آمده‌اند تا «خُلُق» (به ضم اول) را

عوض کنند (غزالی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۵). همچنین، علامه طباطبائی در معنای «خُلُق» (به ضم اول و دوم)، به تعبیت از کتاب **مجمع‌البحرین** آورده است که «خُلُق»، یک صفت روحی است که با وجود آن، آدمی کارها را به مقتضای آن به آسانی انجام می‌دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۶۹).

علمای علم اخلاق نیز برای علم اخلاق تعاریف متعددی بیان کرده‌اند. مرحوم **نراقی**، در **جامع‌السعادات** می‌نویسد: «علم اخلاق، دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رهایی از صفات هلاک‌کننده است» (نراقی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۴). شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق، در میان اندیشمندان اسلامی عبارت است از: «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل ... از آدمی صادر شود» (ابوعلی مسکویه، بی‌تا، ص ۵۱). اخلاقیات و اصول اخلاقی، از جمله مباحثی است که به کارگیری آن در جامعه مورد تأکید اسلام است، به‌طوری‌که پیامبر اسلام ﷺ هدف از رسالت خویش را به کمال رساندن مکارم اخلاقی معرفی کرده‌اند.

اخلاق کاربردی

«اخلاق کاربردی»، شاخه‌ای از اخلاق هنجاری است که به دلیل تمرکز بر جزئیات و تلاش برای حل معضلات اخلاقی، از دو شاخهٔ فرااخلاق و نظریه‌های هنجاری متمایز می‌گردد. دربارهٔ ماهیت، منابع و شیوه‌های استدلال آن، اتفاق نظر وجود ندارد. ارزیابی عملکردها، حل مشکلات یا شناسایی هنجارها و کدهای اخلاقی، به کمک محتوای درونی یا برونی و با استفاده از شیوه‌های قیاسی (بالا - پایین) یا تمثیلی (پایین - بالا)، از جمله مسائل چالش برانگیز در این شاخه علمی است (خزاعی، ۱۳۸۹، ص ۱۷). تعاریف گوناگونی از اخلاق کاربردی ارائه شده است که طیفی از تعاریف محدود، تا وسیع را تشکیل می‌دهند. یکی از تعاریف‌های محدود اخلاق کاربردی عبارت است از: «کاربرد نظریه‌های اخلاقی کلی در مسائل اخلاقی با بی‌طرفی در حل این مسائل» و تعریف وسیع آن عبارت است از: «هرگونه کاربست انتقادی روش‌های فلسفی برای سنجش تصمیمات عملی اخلاقی و مواجهه با مسائل، رفتارها و سیاست‌های اخلاقی در حرفه‌ها، تکنولوژی، حکومت و غیره» (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۳). در تعریفی دقیق‌تر، اخلاق کاربردی را «کاربرد و تطبیق استدلال‌ها، اصول، ارزش‌ها و ایدئال‌های اخلاقی، در مورد رفتارهای اخلاقی فردی و اجتماعی» تعریف کرده‌اند. اخلاق کاربردی درصدد است تا کاربرد منظم و منطقی نظریه اخلاقی را در حوزهٔ مسائل اخلاقی خاصی مانند محیط زیست، پزشکی و غیره نشان دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ص ۵۶).

موضوع اصلی این رشته، جست‌وجو و بررسی حیطه‌های تاریک و روشن یا حیطه‌های خاکستری اخلاق است؛ حیطه‌هایی که داور اخلاقی دربارهٔ آنها ما را به عبارت «از سویی و از سوی دیگر» سوق می‌دهد؛ یعنی از سویی موافق با ارزش یا ارزش‌های اخلاقی و از سویی دیگر، مخالف با آنها هستند (اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۹).

تعارض اخلاقی

«تعارض اخلاقی»، از مهم‌ترین مسائل فلسفه اخلاقی است و از دیرباز، مورد توجه اندیشمندان بوده است. استفاده مؤثر از تعارض و چگونگی برون‌رفت از آن، مستلزم شناخت و درک کامل ماهیت آن است. مسئله تعارض، علاوه بر فلسفه اخلاق در علمی همچون اصول فقه، حقوق، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت مطرح می‌شود و هر یک از منطری متفاوت به آن نگریده‌اند.

انواع تعارض‌های اخلاقی

با یک نگاه، تعارض‌های اخلاقی را می‌توان به تعارض پایدار و ناپایدار تقسیم کرد:

- تعارض ناپایدار (حداقلی): تعارضی است که به دلیل امکان ترجیح بخشیدن به یکی از طرفین تعارض، قابل حل است و وظیفه در آن، انجام طرف راجح است.

- تعارض پایدار (حداکثری): تعارضی است که به دلیل عدم امکان ترجیح یکی از طرفین، نمی‌توان وظیفه اصلی را تشخیص داد (بوسلیکی، ۱۳۹۱، ص ۴۹).

تعارض مورد نظر در این نوشتار، «تعارض حداقلی» است؛ چرا که در همه موارد، امکان ترجیح بخشیدن یکی بر طرف دیگری وجود دارد و وظیفه ما رعایت جانب راجح است. از این‌رو، در تعارض اخلاقی، جنگ باید آن تعارض را تبدیل به مسئله کنیم و سپس، به دنبال کشف علل آن بگردیم تا بتوانیم با قواعد اخلاقی آن، تعارضات را حل کنیم.

تعارضات اخلاقی اسارت

پس از پرداختن به موارد تعارض درباره اسیر و اسارت، ابتدا باید درباره این مقوله به مطالبی اشاره شود.

اسارت از لحاظ معنایی و لغوی

اسارت و أسر، مصدر «أَسَرَ»، به معنای محکم بستن چیزی با قید و طناب است. اسیر را از آن جهت که او را بسته، محصور می‌ساختند، اسیر نامیده‌اند. سپس، این مفهوم به هر کس که در بند یا حبس درآید، هر چند با چیزی بسته نشده باشد، توسعه یافته است (راغب‌اصفهانی، بی‌تا، ص ۷۶). در اصطلاح بر مردان، زنان و اطفال کافر یا مسلمانی که در جنگ یا غیرجنگ، به دست مسلمانان یا غیرمسلمانان گرفتار شوند، اطلاق می‌شود. گرچه درباره زنان و کودکان واژه «سبی» نیز به کار می‌رود (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۵۴).

بحث اسارت هم در قرآن اشاره شده است و هم در کتاب مقدس. از این‌رو، این مبحث یک سبقه تاریخی دارد که در قرآن، به آن سبقه اشاره شده است. خداوند در سوره انفال آیه ۶۷ به‌عنوان یک سنت و قاعده‌ای فراگیر در میان انبیاء الهی می‌فرماید: «مَا كَانَ لِئِبْنِيَّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَىٰ لَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ أَنْ تُضَاهُوا فِي الْأَرْضِ»؛ هیچ پیامبری حق ندارد پیش از زمین‌گیر شدن دشمن، از آنان اسیر بگیرد. این آیه اشاره به زمان اسیر گرفتن دارد و از آن به دست می‌آید، گرفتن اسیر جنگی در عصر انبیا و ملت‌های پیشین رایج بوده است. همچنین، آیه ۲۴۶ سوره بقره از وجود اسیرانی از بنی‌اسرائیل در نزد

دشمنان‌شان خبر داده است: «وما لنا أَلَّا نُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ آبَائِنَا»؛ یعنی شهرهای ما در اشغال دشمن است و فرزندانمان در دست آنان اسیر هستند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۶).

موارد جواز گرفتن اسیر

قبل از آغاز جنگ

معمولاً پیش از آغاز هر جنگ یا عملیاتی افراد و گروه‌هایی از هر دو طرف به منظور دیده‌بانی، کسب اطلاعات و یا موارد مشابه دیگر از مرکز خود دور شده و در معرض اسارت دشمن قرار می‌گیرند. اسیر کردن این افراد از لحاظ اسلام هیچ معنی ندارد و برای جواز آن، شواهد تاریخی گویای آن هستند که به برخی از آنها اشاره خواهد شد: «قبل از جنگ بدر، مسلمانان دو نفر از افراد دشمن را اسیر کرده، به حضور پیامبر ﷺ آوردند. رسول خدا از آنان سؤالاتی دربارهٔ قریش و تعدادشان پرسید» (ابن‌هشام، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۶۸).

پیامبر اکرم ﷺ یک صد نفر را به فرماندهی حضرت علی رضی الله عنه به سوی قبیله بنی‌سعد اعزام نمود. این گروه، شب‌ها راه می‌پیمودند و روزها پنهان می‌شدند تا به محلی به نام «همج» رسیدند. در آنجا فردی از نیروهای دشمن را گرفتند. او در ابتدا از دادن هرگونه اطلاعاتی طفره رفت، ولی وقتی بر او سخت گرفتند، ناچار اقرار کرد که پیک دشمن است و مأموریت دارد تا به خیبر برود و آمادگی بنی‌سعد را به اطلاع یهودیان خیبر برساند (واقعی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶۲).

در جنگ

قرآن یکی از زمان‌های گرفتن اسیر را زمان جنگ معرفی کرده و می‌فرماید: «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَخْتَمْتُمُوهُمُ فَضُؤُوا الْوَتَاقَ...» (محمد: ۴)؛ پس چون با کافران برخوردید، گردن‌ها را بزنید. تا هنگامی که [بسیاری از] آنان را کشتید، بند [اسارت] را استوار دارید.

پشتیبانی از دشمن

کسانی که از دشمن حمایت می‌کنند، در واقع حکم دشمن را دارند و باید مانند دشمن با آنها برخورد کرد. خداوند در سوره احزاب آیه ۲۶ می‌فرماید: «وَ أَنْزَلَ الَّذِينَ ظَهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا»؛ و خداوند گروهی از اهل کتاب را که از آنان [مشرکان عرب] حمایت کردند از قلعه‌های محکشان پایین کشید و در دل‌هایشان رعب افکند؛ گروهی را به قتل می‌رساندید و گروهی را اسیر می‌کردید! خداوند در این آیه، اسیر کردن کسانی را که از دشمنان حمایت و پشتیبانی می‌کنند، جایز می‌شمارد.

نقض پیمان صلح

یکی از مواردی که می‌توان دشمن را به اسیری گرفت، نقض پیمان صلح است. خداوند در این باره، در سوره توبه آیه ۵ می‌فرماید: «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ وَ احْصُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ»؛ وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید و آنها را اسیر سازید و محاصره کنید و در هر

کمین‌گاه، بر سر راه آنها بنشینید! هر گاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است! اگر دشمنان، پیمان ترک نزاع با مسلمانان را نقض کنند، مسلمانان می‌توانند در مورد آنان، یکی از چهار حکم کشتن، اسیر کردن، محاصره و در کمین نشستن را به تناسب موقعیتشان با مشرکان، اجرا کنند.

توطئه‌گری

یکی دیگر از موارد جواز گرفتن اسیر، ستیز و توطئه با مسلمانان است. خداوند در آیه ۹۱ سوره نساء به این نکته اشاره دارد که منافقان برای اینکه هم از مسلمانان و هم از قوم خود آسوده‌خاطر باشند، نفاق را پیشه کرده، در نهان به توطئه بر ضد اسلام ادامه می‌دهند. در صورتی که آنها دست از ستیزه‌جویی برندارند، مسلمانان باید آنان را اسیر کرده و بکشند: «سَتَجِدُونَ ءَاخِرِينَ يَرِيدُونَ أَن يُأْمِنُوا بِكُمْ وَيَأْمُنُوا بِقَوْمِهِمْ كُلُّ مَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْزِلُوا لَوْ كُمْ وَيَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ وَيَكْفُرُوا بِيَدِيهِمْ فَخَذُّوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقَفْتُمُوهُمْ وَ أُولَئِكَم جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا»؛ به زودی جمعیت دیگری را می‌باید که می‌خواهند هم از ناحیه شما در امان باشند، و هم از ناحیه قوم خودشان، هر زمان آنان را به سوی فتنه بازگردانند، با سر در آن فرو می‌روند! اگر از درگیری با شما کنار نرفتند و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما نکشیدند، آنها را هر جا یافتید اسیر کنید و به قتل برسائید! آنها کسانی هستند که ما برای شما، تسلط آشکاری نسبت به آنان قرار داده‌ایم.

موارد منع اسیر گرفتن

همان‌طور که در موادی اسیر گرفتن مجاز شمرده شده است، در مواردی هم اسیر گرفتن ممنوع شده است. قرآن اسیر گرفتن را در چند مورد منع کرده است:

قبل از پیروزی کامل

همان‌طور که در سوره انفال آیه ۶۷ به آن اشاره شد، خداوند خطاب به انبیاء خود می‌فرماید: «مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهٗ أُسْرَى حَتَّىٰ يُبَيِّنَ فِي الْأَرْضِ»؛ هیچ پیامبری حق ندارد پیش از زمین‌گیر شدن دشمن، از آنان اسیر بگیرد. «اتخان» سه‌گونه تفسیر شده است:

الف. کنایه از شدت کشتار دشمن (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۶، ص ۷۹). بنابراین، زمانی گرفتن اسیر جایز است که از دشمن جز شمار اندکی باقی نماند.

ب. استقرار و استحکام پایه‌های حکومت اسلامی (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۳۴). از این‌رو، تا زمانی که حکومت اسلامی استقرار نیافته، گرفتن اسیر جایز نیست؛ زیرا گرفتن و سپس آزادسازی اسیران، موجب تقویت جبهه کفر و تضعیف پایه‌های حکومت اسلامی می‌شود. شأن نزول این آیه که جنگ بدر است، می‌تواند مؤید این قول باشد؛ زیرا در میان اسیران جنگ بدر، برخی از سران کفر حضور داشتند که بعداً پایه‌گذار بسیاری از جنگ‌ها برضد پیامبر بودند و قطعاً کشته شدن آنان می‌توانست در استحکام پایه‌های حکومت اسلامی مؤثر باشد.

ج. محکم‌شدن جای پا در میدان جنگ که کنایه از پیروزی بر دشمن است (همان). قرآن کریم در این آیات، به صورت قانونی کلی و تاکتیکی نظامی به پیامبر و هر فرمانده نظامی دیگر فرمان می‌دهد که در بجهت جنگ و

پیش از اطمینان از پیروزی کامل، وقت و توان خود را صرف گرفتن اسیر نکنند؛ زیرا مشغول شدن لشکر اسلام به گرفتن اسیر، بخشی از توان رزمی آنان را هدر داده، ممکن است زمینه شکست آنان را فراهم سازد. در صورتی که ملاک حکم را جلوگیری از شکست لشکر اسلام بدانیم، می‌توان از این آیه استفاده کرد که گرفتن اسیر به تار و مار شدن لشکر دشمن و خاتمه درگیری منحصر نیست، بلکه هر زمان که پیروزی لشکر اسلام قطعی شد، می‌توان از دشمن اسیرانی گرفت؛ هر چند در آغاز درگیری باشد.

در زمان عهد یا پیمان با دشمن

خداوند ذیل آیات ۴ و ۵ سوره توبه، می‌فرماید:

تا زمانی که مشرکین عهد خود را نشکسته‌اند به عهد خود باقی بمانید و زمانی که ماه‌های حرام تمام نشد و مشرکین تکلیف خود را مشخص نکرده بودند، به مسلمانان اجازه داده شده است که یا آنها را بکشند و یا اسیر کنند. پس تا زمانی که عهد و پیمان باقی است، حق هیچ‌گونه تعرضی به مشرکین ندارند.

در ماه‌های حرام

یکی از مسائلی که پیش از اسلام اعراب به آن پایبند بودند و اسلام مهر تأیید بر آن زد، حرام بودن جنگ در ماه‌های حرام بود که در سوره بقره آیه ۲۱۷ به آن اشاره شده است:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ...»؛ از تو، درباره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می‌کنند، بگو: جنگ در آن، (گاهی) بزرگ است... وقتی که قتال در این ماه‌ها حرام باشد به طور اولی اسیر گرفتن نیز حرام می‌شود، چرا که جنگی نباید صورت بگیرد تا اسیری گرفته شود. اما اگر مشرکان حرمت این ماه‌ها را نگه نداشتند شما هم مقابله مثل کنید: «وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» (بقره: ۱۹۴)؛ و تمام حرام‌ها، (قابل) قصاص است. به‌طور کلی هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید!

البته قرآن در آیه ۵ سوره توبه، درباره اتمام ماه‌های حرام می‌فرماید:

«فَإِذَا تَسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحَرَامَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاعْبُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسائید و آنها را اسیر سازید و محاصره کنید و در هر کمین گاه، بر سر راه آنها بنشینید! هر گاه توبه کنند و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است!

یعنی با اتمام ماه‌های حرام، می‌توانند مشرکان را هم بکشید و یا اسیر کنند.

احکام مربوط به اسرا

در کل، برای اسرا چند حکم می‌توان تصور کرد: اسیر یا مسلمان است، یا غیرمسلمان. اگر مسلمان است که باید دادگاهی شود. از این رو، اگر اسیر جنگی مسلمان، کسی را کشته است، قصاص می‌شود یا اگر ولی دم، او را بخشید، دیه می‌دهد. اگر کسی را مجروح نموده یا قصاص می‌شود، یا دیه می‌دهد.

اما اگر اسیر جنگی، غیرمسلمان است؛ چند راه برای آنها متصور است:

همه را یکسره بکشیم؛ این کار هر چند عقلاً جایز است، اما این شیوه، با رحمت و رأفت و استفاده از قابلیت‌ها منافات دارد.

با دیگر مسلمانان که در دست آنها اسیر هستند، معاوضه گردند.

اما اگر اسیری در دست دشمن نداشتیم، برای آن نیز چند گزینه متصور است:

همه را یکسره آزاد کنیم. اولاً، اگر قرار بر آزادی آنها بود، پس برای چه اسیرشان نمودیم، اگر دشمن مطمئن شود از اینکه بعد از اسارت آزاد خواهد شد، در این صورت خیلی راحت بدون ترس از اسیر شدن، وارد میدان جنگ می‌شود. این یقیناً به ضرر نیروهای خودی خواهد بود. ثانیاً، این کار موجب می‌شود که آن شخص دوباره تجهیز و در صدد مبارزه مجدد برآید. آنها را با گرفتن پول یا امتیاز اقتصادی یا سیاسی از کفار، به کفار تحویل دهیم؛ به شرط اینکه کار خطری دربر نداشته باشد.

آنها را زندانی کنیم. البته این کار برای کوتاه‌مدت خوب است، اما برای بلندمدت امری غیرانسانی و غیرمنطقی است؛ چون با این کار از یک سو، عده‌ای انسان در محیطی محبوس شده و امکانات رشد مادی و معنوی را از دست می‌دهند. این کاری است غیرانسانی. از سوی دیگر، با این روش باید حکومت برای زنده ماندن این اسرا هزینه کند و این خود به ضرر مردم و حکومت است.

اگر هیچ یک از راه‌های گزینه‌های قبل امکان نداشت، گزینه‌ای که مسلمانان در زمان جنگ با اسرا انجام می‌دادند، باقی می‌ماند. آن اینکه، اسرا در میان جهادکنندگان پخش شوند؛ تا از یک سو، هزینه آنان در مسلمین تقسیم شود و بر دوش دولت نباشد و هم اینکه از شورش دسته جمعی آنها جلوگیری شود و از سوی دیگر، رفتار و گفتار و عقائد مسلمین، به تدریج به آنان منتقل شود و با سفارشات اسلامی با آنان رفتاری عادلانه و برادرانه و کریمانه شود، تا کم‌کم آزاد شوند و استعدادهای نهفته آنان شکوفا و منشأ خیر و برکات شوند. البته این امر بعد از تثبیت جنگ است و هیچ کس حق ندارد پیش از غلبه کامل در منطقه و استقرار پایگاه اسیر بگیرد.

کشتن اسیر

همان‌طور که اشاره شد، کشتن اسیر تا قبل از به اسارت درآمدن بنا به دلایلی مجاز است. اما بعد از اسارت، حق کشتن او را نداریم؛ مگر در شرایط خاص. خداوند درباره اسیر دو راهکار بیان می‌کند: یا باید بر آنها منت گذاشت و آزادشان کرد یا در قبال آزادی خود باید معامله‌ای انجام دهند و فدیة بدهند.

«فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْبَتْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَتُوِّيَّئُ اللَّهُ لِلتَّنَصُّرِ مِنْهُمْ وَلٰكِنْ لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» (محمد: ۴)؛ و هنگامی که با کافران در میدان جنگ روبرو شدید، گردن‌هایشان را بزنید، تا به اندازه کافی دشمن را در هم بکوبید. در این هنگام، اسیران را محکم ببندید. سپس یا بر آنان منت گذارید، یا در برابر آزادی از آنان فدیة بگیرید تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد، برنامه این است! و اگر خدا می‌خواست، خودش آنها را مجازات می‌کرد، اما می‌خواهد بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید و کسانیکه در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را از بین نمی‌برد!

مصونیت زنان و اطفال تبعه دشمن

زنان و کودکان و نوجوانان، معمولاً در جنگ‌ها و نزاع‌ها بسیار آسیب‌پذیر بوده و بیشترین صدمات جسمی و روحی متوجه آنان خواهد بود. این مسئله، هنگامی که جنگ‌ها و نزاع‌ها به شهرها و محله‌ها کشانده می‌شود، بیشتر نمایان است. همچنین، بر اساس حقوق بشردوستانه بین‌الملل از غیرنظامیان حمایت شده است و شرایطی را برای آن تدوین کرده‌اند.

حمایت از غیرنظامیان بر اساس حقوق بشردوستانه بین‌الملل

- در هنگام جنگ، باید میان رزمندگان و غیرنظامیان تفاوت قابل شد.

- طرفین محاصمه، باید میان اموال متعلق به غیرنظامیان و اهداف نظامی نیز باید فرق بگذارند. کالاهای مورد نیاز برای ادامه حیات آنها نیز مورد حمایت واقع شوند.

- حملات و تهدیدهایی که هدف اصلی آن اشاعه ترور و وحشت میان جمعیت غیرنظامی است، رسماً ممنوع است.

- حملاتی که آثار آن به یک هدف خاص نظامی محدود نمی‌شود، یا هدف نظامی را دنبال نمی‌کند، ممنوع است.

- تحت هیچ شرایطی، نباید از غیرنظامیان برای جلوگیری از حمله به نقاط خاص و مناطق و اهداف نظامی استفاده کرد.

- هرگونه حمله به بناهای تاریخی، آثار هنری یا عبادتگاه‌ها و استفاده از چنین اهدافی، برای حمایت از اقدامات نظامی مطلقاً ممنوع است.

- تخریب تأسیسات دارای نیروهای خطرناک (سدهای تولیدکننده نیروی برق و نیروگاه‌های هسته‌ای) که می‌تواند تلفات غیرنظامی زیادی به همراه داشته باشد، ممنوع است. ضمن اینکه، طرف‌های محاصمه نباید اهداف نظامی را در کنار چنین تأسیساتی قرار دهند.

- مناطق خاصی را می‌توان در نظر گرفت که حمله به آن مطلقاً ممنوع است. افراد تحت حمایت را در خود جای دهد (دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۳، ص ۳۴).

تعارضات اخلاقی

حال پس از این چند مقدمه، به تعارضات اخلاقی اسرا خواهیم پرداخت.

اسیر گرفتن قبل از پیروزی

یکی از موارد منع گرفتن اسیر بنا به دستور اسلام، اسیر گرفتن پیش از پیروزی است که به هنگام جنگ، کسی حق اسیر گرفتن را ندارد. بر پایه قوانین بین‌المللی حقوق بشردوستانه، به محض اینکه رزمنده طرف محاصمه در اختیار طرف مقابل قرار می‌گیرند، وضعیت اسیر جنگی آغاز می‌گردد (داعی، ۱۳۸۷، ص ۹۴). طرف محاصمه‌ای که سلاحش را زمین گذاشته است و وسیله‌ای برای دفاع از خود ندارد، تسلیم شده است و یا به هر دلیلی، قادر به نبرد و یا دفاع از خود نیست، نباید هدف حمله قرار گیرد و باید اسیر گرفته شود (ماده ۴۱ پاراگراف ۱ مقررات لاهه). اگر در حین جنگ، نیروی دشمن در شرایطی قرار بگیرد که بتوان او را به اسارت درآورد، در این صورت وظیفه چیست؟ از یک سو، باید

احترام اسیر را داشت و طبق قوانین حقوق بشردوستانه با او عمل کرد و از سوی دیگر، طبق دستور اسلام نباید در حین جنگ اسیر گرفت و باید آنها را کشت. اسلامی که درباره اسیر دستورات و قوانینی را وضع کرده است که باید با اسیر به با رأفت و مهربانی برخورد کرد و... چگونه به مواجهه‌های شبیه به فرد در حال جنگ می‌دهد. از یک سو، عمل به دستورات اسلام یک امری لازم است، به‌ویژه در موارد مهمی مانند جنگ. از سوی دیگر، عمل به آن در ظاهر خلاف دستورات و قوانین اسارت به حساب می‌آید و حفظ جان یک اسیر، یک وظیفه است که باید انجام شود.

کشتن اسیر در شب

یکی دیگر از دستورات جنگ، عدم اسیر گرفتن در شب است. کسی حق ندارد در شب اسیر بگیرد. حال اگر در شب شرایطی ایجاد شد که می‌توان دشمن را اسیر کرد، طبق قوانین حقوق بشردوستانه که در بالا به آن اشاره شد، باید با او مانند یک اسیر رفتار کرد و حق کشتن او را نداریم. اما اگر بخواهیم او را به اسارت بگیریم، این کار مستلزم این است که چند نیرو برای مراقبت از او گماشته شوند، یا به عقب برگردانده شوند. این امر موجب تعدیل نیروها در خط مقدم و مشغول شدن چند نیرو به یک اسیر می‌شود. اگر او را در این حال رها کنیم، خود او می‌تواند دوباره بر علیه ما بجنگد. حال در این شرایط، یا باید به دستوراتی که درباره رفتار با اسرا آمده است، عمل کرد که خود می‌تواند تبعاتی دربر داشته باشد، یا باید اسیر را کشت که این عمل هم مخالف قوانین اسارت است.

اسیر گرفتن غیرنظامی

در جهاد اسلامی، افراد غیرنظامی دشمن، مادام که در فعالیتهای جنگی مؤثر نیستند، از مصونیت برخوردارند، اما افراد نظامی تنها در مورد کسانی صدق نمی‌کند که سلاح به دست و جزئی از ارتش منظم دشمن هستند، بلکه شامل کلیه کسانی می‌شود که به نحوی در پیشبرد جنگ، به نفع دشمن مؤثر باشند؛ هرچند که سلاح در دست نداشته باشند. ولی کلیه کسانی که از اعمال خصمانه جنگی خودداری می‌کنند، به لحاظ اینکه در جنگ شرکت ندارند، غیررزمنده محسوب شده و حقوق آنان محترم شمرده می‌شود. تعداد و مشخصات اشخاص غیررزمنده دشمن، به نوعی بستگی به تصمیمات جنگی دشمن دارد که چگونگی سازمان‌دهی نیروهای مسلح و سیاست‌های دفاعی او می‌تواند در این زمینه، نقش تعیین‌کننده داشته باشد.

در متون اسلامی، به مصونیت افراد غیرنظامی تصریح شده است. به‌عنوان مثال، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به معقل بن قیس که به‌عنوان فرمانده، مأموریت جنگی به عهده داشت، فرمود: «لَأَتَقِيَ اللَّهَ... وَ لَا تَقَاتِلَنَّ إِلَّا مَنْ قَاتَلَكَ» (نهج البلاغه، ن ۱۲)؛ از خدا بترس؛ جز با کسی که با تو پیکار کند، پیکار نکن.

بنابراین، افرادی که در حقیقت نظامی نبوده، یا دلایلی بر نظامی بودن آنان وجود نداشته باشد، مورد حمایت قرار می‌گیرند. جنگجویان حق تعرض به آنان را ندارند؛ زیرا پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: «پیران، زنان، اطفال، عابران و رهبانان را که در غارها و بیغوله‌ها زندگی می‌کنند، به قتل نرسانید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۲۵). همچنین،

بخشی از غیرنظامیان دشمن، کسانی هستند که در کشور اسلامی سکونت می‌کنند. این افراد، همانند بقیه غیرنظامیان دشمن، از مصونیت برخوردارند. اصول حقوق بین‌الملل و دیدگاه اسلام در این باره یکسان است، با این تفاوت که از دیدگاه اسلام، این عده از مصونیت بیشتری بهره‌مند هستند.

توضیح اینکه بر اساس ماده ۴۲ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، در رابطه با حمایت از شهروندان غیرنظامی در اثنای جنگ هیچ دولتی، که در حال جنگ با دولت دیگر است، نمی‌تواند آن دسته از تبعه دشمن را که در کشور وی به سر می‌برند، به‌عنوان اسیر جنگی گرفته و یا آنها را به اقامت اجباری در کشور وادار نماید، مگر در شرایط اضطراری که امنیت کشور و بقای دولت ایجاب می‌کند. ولی با شروع جنگ، دولت می‌تواند اتباع دولت متخاصم را از کشور خود اخراج کند و اموال و امکانات آنها را تا پایان جنگ تحت کنترل درآورد. در صورتی که طبق مقررات جهاد، کلیه اتباع دشمن در دارالاسلام، مستأمن یا ذمی محسوب می‌شوند، می‌توانند مادام که شرایط لازم را رعایت کرده‌اند، در مصونیت و تحت حمایت دولت اسلامی باشند. این مصونیت و حمایت، شامل اموال و سایر حقوق سیاسی و مدنی نیز می‌گردد، مگر اینکه در پوشش مصونیت و حمایت دولت اسلامی از امکانات و اموال خود به نفع دشمن استفاده نمایند (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۷۹). بنابراین، هرگاه شرایط ذمه، توسط اتباع دشمن در دارالاسلام رعایت نشود، از مصونیت و حمایت دولت اسلامی برخوردار نخواهند بود.

با توجه به آنچه گذشت، اطفال و زنان و دیگر اشخاصی در مصونیت کامل هستند، اگر این افراد در پیش‌برد جنگ نقشی داشته باشند، در این صورت تکلیف چیست؟ اگر آنها را دستگیر کنیم، از لحاظ اخلاقی و قوانین صحیح نیست؟ اگر آنها را آزاد بگذاریم، در پیش‌برد جنگ می‌توانند سهمیم باشند. این خود، می‌تواند خطر بزرگی باشد. پس در این صورت، تکلیف چیست؟

راه‌حل تعارضات اخلاقی اسارت

اسیر گرفتن قبل از پیروزی

همان‌طور که بیان شد، یکی از موارد منع اسارت، اسیر گرفتن پیش از زمین‌گیر شدن دشمن و پیروزی بر دشمن است. از یک سو، طبق حقوق بشردوستانه همین‌که شخص متخاصم، در معرض اسارت قرار گرفت، باید او را اسیر کرد و مانند اسیر با او برخورد کرد. اما دستور به منع اسیر گرفتن در جنگ، در واقع به نوعی از تاکتیک‌های جنگی اشاره دارد که می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت: در درجه اول، از پای درآوردن دشمن و کم‌کردن نفرت دشمن حائز اهمیت است؛ چرا که بعضاً این افراد بعد از آزادی دوباره می‌توانند توطئه کنند و با این عمل خود موجب جنگی دیگر شوند. از سوی دیگر، هم اسیر گرفتن و نگهداری از آنها در بحبوحه جنگ، موجب هدر رفتن توان رزمی نیروها می‌شود. این خود می‌تواند عاملی برای شکست باشد، چرا که باید مقداری از نیروها و تجهیزات را برای مراقبت از اسرا گماشت. از این رو، در این موارد کشتن دشمن ارجحیت دارد بر اسیر کردن آنها.

پس با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان برای اسارت پیش از پیروزی شرایطی را ذکر کرد که اگر این شرایط فراهم بود، پیش از پیروزی هم می‌توان اسیر گرفت و اگر این شرایط فراهم نبود، حق گرفتن اسیر را نداریم؛ هدف

اصلی از جنگ زمین گیر کردن دشمن و تضعیف دشمن و در نهایت، شکست دشمن باشد. اما اگر نتوان با اسیر گرفتن به این هدف ضربه بزند، لزومی ندارد که توان خود را برای اسیر کردن دشمن بگذراند.

اسیر گرفتن دشمن پیش از پیروزی کامل موجب ایجاد هدر رفت توان رزمی و تضعیف سپاه خودی نشود؛ یعنی اگر به اندازه‌ای نیرو در اختیار داریم که بدون اینکه آسیبی به روند پیروزی در جنگ بزند، می‌توانند مراقب دیگر اسرای دشمن باشند، یا آنها را به عقب برگردانند.

اسیر گرفتن پیش از پیروزی کامل موجب اختصاص بخشی از منابع در صورت مضیقه بودن است که در این صورت، کمک به نیروهای خودی جهت ادامه جنگ امری عقلایی و اخلاقی خواهد بود.

اسیر گرفتن زیاد پیش از پیروزی کامل خود موجب ایجاد فضای نامنی خواهد شد. از سوی دیگر، عده‌ای از نیروها در حال مبارزه هستند و باید عده‌ای دیگر، مراقب اسرا باشند و این خود موجب تضعیف نیروهای خودی می‌شود. با توجه به شرایط فوق، اگر این شرایط فراهم بود، می‌توان پیش از زمین گیر شدن دشمن از دشمن اسیر گرفت؛ در غیر این صورت حق اسیر گرفتن از دشمن را نخواهیم داشت و باید به مبارزه ادامه داد، تا دشمن از پای درآید.

کشتن اسیر در شب

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان شرایطی را برای اسیر گرفتن در شب بیان کرد. اگر این شرایط فراهم بود، بتوان در شب نیز اسیر گرفت. در غیر این صورت، حق گرفتن اسیر در شب را نداریم و باید دشمن را از پای در آورد. هدف از جنگ کردن، تضعیف دشمن و شکست دشمن باشد. اگر این امر، با اسیر گرفتن در شب میسر می‌شود، پس اسیر گرفتن در شب امری بایسته خواهد بود.

اسیر گرفتن دشمن نیاز به مراقبت و حفاظت دارد و باید نیروهایی را برای این کار گماشت. حال اگر این کار موجب کاهش نیروها در برابر دشمن و در نتیجه، تضعیف سپاه خودی شود، نباید دشمن را اسیر کرد. اما اگر نیرو به اندازه‌ای هست که بتوان اسیر را به عقب برگرداند، دیگر نیازی به کشتن اسیر نیست، بلکه می‌توان او را به اسارت درآورد و کشتن او در این موارد خلاف اخلاق است.

با توجه به شرایطی که بیان شد، می‌توان دشمن را به اسارت گرفت. اگر این شرایط فراهم نبود، کشتن دشمن ارجحیت دارد و این امر خلاف اخلاق نیست، بلکه امری پسندیده و نیکو است.

اسیر گرفتن غیرنظامی

از دیدگاه اسلام، این کودکان و زنان هر چند وابسته به دشمن و از اتباع دشمن هستند، ولی دارای مصونیت هستند. اما زمانی که در جنگ نقش داشته باشند، دیگر حکم فرق می‌کند. چنان‌که در روایتی از رسول خدا نقل شده که می‌فرماید: «... لَأَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَهَى عَنْ قَتْلِ النِّسَاءِ وَالْوَالِدَانِ فِي دَارِ الْحَرْبِ إِلَّا أَنْ يَقَاتِلَنَّ» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۶۴)؛ همانا رسول خدا ﷺ از قتل زنان و کودکان در دارال حرب نهی کرده است، مگر اینکه این عده مشغول جنگیدن باشند. در این مورد از پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ او دستور صریح مبنی بر نهی صریح از کشتن اطفال و زنان دشمن رسیده است تا جایی که در کارزار جنگ نقشی نداشته باشند در غیر این صورت، همانند افراد نظامی بوده و از مصونیت بهره‌ای ندارند.

با این وجود، در برخی تعالیم اسلامی، مصونیت ویژه‌ای را برای زنان قائل شده‌اند. برخی از فقیهان شیعه، در مورد جواز کشتن زنان در جنگ حتی در صورتی که در جبهه شرکت کرده و رزمندگان خود را یاری بدهند و علیه مسلمانان وارد عملیات شوند، تردید کرده و بسیاری به صراحت آن را رد کرده‌اند. صاحب جواهر در این باره چنین می‌نویسد:

«و لا يجوز قتل المجانین و لا الصبیان و لا النساء منهم و لو عاونهم الأ مع الاضطراب، بلا خلاف اجده فی شیء من ذلک، بل فی المتهی الاجماع علیه فی النساء و الصبیان» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۷۳-۷۴)؛ جایز نیست کشتن دیوانگان، کودکان و زنان اتباع دشمن گشته شوند، گرچه این عده، اتباع دشمن را یاری رسانند، مگر در هنگام اضطراب.

همچنین، سایر علما مانند صاحب *جامع المقاصد*، مصونیت را در محدوده گسترده‌تری مورد توجه قرار داده است. از نظر وی، دیوانگان، کودکان، زنان، پیرمردان و افراد خنثای مشکل، حتی اگر در جنگ شرکت داشته باشند، نمی‌توان آنان را به قتل رساند (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۸۵).

دلیل مطلب مزبور، برخی روایات اسلامی است. از جمله روایتی از امام صادق علیه السلام که آن حضرت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد، که فرمود:

«... لان رسول الله صلی الله علیه و آله نهی عن قتل النساء و الوالدان فی دار الحرب الا ان یقاتلن، فان قاتلن ایضا فامسک عنها ما امکنک و لم تخف خلا...»؛ همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله از کشتن زنان و کودکان در دار الحرب نهی کرده است، مگر آنکه آنان وارد کارزار نظامی شوند، حتی اگر آنان وارد جنگ شده‌اند تا آنجایی که می‌توان مدارا کن - و از کشتن آنان پرهیز کن - و در این مسئله چیزی تو را نترساند.

همچنین، حضرت علی علیه السلام در *نهج البلاغه* درباره زنان می‌فرماید:

زنان را با آزار دادن تحریک نکنید، هر چند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم‌توانند، در روزگاری که زنان مشرک بودند، مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم، و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوب‌دستی، به زنی حمله می‌کرد، او و فرزندانش را سرزنش می‌کردند (نهج البلاغه، ن ۱۴).

با توجه به روایات و نظرات علمای اسلام زنان و کودکان و ... تا جایی که در کارزار جنگ نقشی نداشته باشند، از مصونیت برخوردار هستند. اما زمانی که نقشی در جنگ داشته باشند، همان‌طور که بیان شد، حضرات معصوم دعوت به مدارا با این افراد را می‌کنند و حتی درباره هر اسیر با توجه به موقعیت اجتماعی او با او برخورد می‌شود، مانند دختر حاتم طائی که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را اکرام کرد و با احترام خاص او را آزاد کرد.

با توجه به مطالب ذکر شده درباره اسارت زنان و کودکان و واقع غیرنظامیان در جنگ، می‌توان شرایطی را بیان کرد که اگر این شرایط فراهم بود، می‌توان آنها را اسیر کرد. در غیر این صورت، اسارت آنها امری خلاف اخلاق خواهد بود: «زنان و کودکانی که در جنگ به هر نحوی به نظامیان دشمن کمک و یاری می‌رسانند در واقع جزئی از افراد نظامی دشمن حساب می‌شوند، پس می‌توان آنها را به اسارت گرفت».

به شرطی اسیر گرفتن آنها تأثیری در روند جنگ نداشته باشد. اما در صورتی که اسارت آنها هیچ تأثیری به جز هزینه اضافی از هر لحاظ برای جبهه خودی نداشته باشد، اسارت آنها امری غیرمعقول است؛ بهتر است آنها را در مکانی به دور از معرکه جنگ رها کرد.

بتوان با اسارت آنها امتیازاتی را از دشمن گرفت، یا دشمن را تحت فشار قرار داد تا به خواسته‌های ما تن در دهد. مثلاً آزادی در قبال آزادی نیروهای نظامی خودی و... .

اگر این به اصطلاح، غیرنظامیان نقش مهم در روند جنگ دارند، اسارت آنها نه تنها امری غیراخلاقی و خلاف قوانین نیست، بلکه امری کاملاً اخلاقی و لازم‌الاجرا است؛ چرا که او در واقع یکی از نیروهای اصلی و تأثیرگذار دشمن محسوب می‌شود. مثلاً اگر این غیرنظامیان صاحب رأی در امور نظامی باشند، نه تنها اسارت بلکه کشتن آنها نیز جایز است. پس نتیجه می‌گیریم که اسیر کردن کسانی که در جنگ نقشی ایفا می‌کنند، هر چند که کودک یا زن باشند جایز است، اما اگر آزاد کردن آنها ضرری و مشکلی را ایجاد نمی‌کند، می‌توان آنها را آزاد کرد. این خود موجب کم شدن هزینه‌های جنگی هم خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت: امروزه عهدنامه‌های جامعه بین‌الملل بخصوص عهدنامه ژنو مورخه ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹، نقش مهمی در برخورد با اسرا را دارد که شامل برخورداری از وضعیت اسیران جنگی، از لحظه اسارت تا پایان آن است. اینکه باید با اسیر مانند یک انسان رفتار شود و محل اردوگاه‌های او باید از معرکه نبرد دور باشد، از لحاظ مراقبت‌های پزشکی و... از رفاه نسبی برخوردار باشند. ادیان الهی، به‌ویژه دین اسلام دارای دستورات خاصی درباره اسرا هستند. در این میان، تعارضات اخلاقی که ایجاد می‌شود و یک رزمنده باید یکی از دو طرف تعارض را انتخاب کند، مانند کشتن اسیر در شب، اسیر گرفتن دشمن با فریب دادن و اسیرگرفتن غیر نظامیان و... از موارد تعارضی هستند که دین اسلام، برای رفع این تعارض راهکارهایی ارائه می‌دهد که از لحاظ اخلاقی نیز مورد تأیید نیز هستند. از این‌رو، یک رزمنده در موارد تعارض، با توجه به دستورات اسلام می‌تواند این تعارضات را برطرف کند.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ترجمه محمد دشتی، قم، الیهادی.
- ابراهیم، مصطفی و همکاران، ۱۴۱۴ق، *المعجم الوسیط*، استانبول، دارالدعوة.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی‌تا، *التحریر و التتویر*، بیروت، مؤسسه تاریخ.
- ابن منظور، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- ابن هشام، ۱۴۱۲ق، *السیره النبویه*، بیروت، چاپ سهیل زکار.
- اسلامی، محمدتقی، ۱۳۹۳، «شناسنامه علمی اخلاق کاربردی»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، سال هفتم، ش ۲۵، ص ۷-۲۲.
- اسلامی، محمدتقی و همکاران، ۱۳۸۸، *اخلاق کاربردی، چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بوسلیکی، حسن، ۱۳۹۱، *تعارض اخلاقی و دانش اصول فقه*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، *اخلاق کاربردی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جمعی از نویسندگان زیر نظر هاشمی سید محمود شاهرودی، ۱۴۲۳ق، *موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت*، قم، مؤسسه دائرة المعارف الفقه الإسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
- خزاعی، زهرا، ۱۳۸۹، *جستارهای در اخلاق کاربردی*، قم، دانشگاه قم.
- داعی، علی، ۱۳۸۷، «مسئولیت بین‌المللی نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی در عراق»، *مجله حقوقی نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری*، ش ۳۸، ص ۹۱-۱۲۲.
- دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ص ۳۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی‌تا، *مفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالقلم.
- زیبیدی، مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۸، *فقه سیاسی، حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام*، تهران، سمت.
- غزالی، ابوحامد، بی‌تا، *احیاء علوم الدین*، بیروت، دارالکتب العربی.
- کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، ۱۴۱۴ق، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مسکویه، ابوعلی، بی‌تا، *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*، قم؛ نشر بیدار.
- نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ق، *جوهر الکلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، محمد مهدی، ۱۳۶۸ق، *جامع السعادات*، نجف، مطبعه الزهراء.
- واقفی، محمد بن عمر، بی‌تا، *کتاب المغازی*، محقق: جونز، مارزدن، بیروت.

